

روش‌های ایجاد آمادگی کودکان برای انجام تکالیف عبادی

حسنیه صالحان*

مقدمه

یکی از حقوق فرزندان بر والدین، آشنا ساختن آنان با خدا، اهل بیت علیهم‌السلام و مسائل اعتقادی و عبادی است که سعادت فرزند را به دنبال دارد و ثواب آن برای والدین، غیر قابل محاسبه است؛ زیرا فرزندان همچون نهالی هستند که خداوند متعال در اختیار والدین قرار داده است تا به بهترین شکل آنان را تربیت و هدایت کنند و در آینده از ثمرات درخت وجودی آنها بهره‌مند شوند. پروردگار متعال در قرآن، بر مسئولیت تربیتی خانواده تأکید کرده و می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ»^۱ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن، انسان‌ها و سنگ‌ها هستند، نگاه دارید». امام سجاد علیه‌السلام نیز درباره

* دانش‌آموخته جامعه‌الزهرای علیهم‌السلام و کارشناس روانشناسی.

وظیفه پدر نسبت به تربیت دینی فرزند می‌فرماید: «وَأَنَّكَ مَسْئُولٌ عَمَّا وُلِّيْتَهُ مِنْ حُسْنِ الْأَدَبِ وَالِدَّلَالَةِ عَلَى رَبِّهِ: ۱» تو [پدر] نسبت به فرزند خود مسئول هستی که او را نیکو تربیت نمایی و او را به سوی پروردگارش رهنمون شوی».

تربیت دینی فرزندان و آمادگی آنان برای انجام تکالیف دینی پیش از رسیدن به سن تکلیف، یکی از مهم‌ترین ابعاد تربیت دینی فرزند است. تربیت عبادی و دینی، به معنای آموزش عبادات به متریبان و متعهد کردن آنان به انجام این دستورات و در حقیقت، به معنای ایجاد گام به گام روح عبادت و بندگی در فرزندان است. در این نوشتار اهمیت این موضوع بررسی شده و راهکارهایی در این زمینه ارائه می‌شود.

ضرورت ایجاد آمادگی کودکان برای انجام تکالیف عبادی

اگر چه کودکان تا زمانی که به سن بلوغ نرسیده‌اند، تکلیفی ندارند؛ اما رسیدن به سن تکلیف، آنان را با مجموعه‌ای از تکالیف شرعی مواجه می‌کند که در صورت نداشتن آشنایی و آمادگی قبلی، انجام این تکالیف برایشان دشوار شده و ممکن است حتی رغبتی نسبت به آن نشان ندهند. از همین رو انجام تکالیف دینی را نباید تا زمان بلوغ به تأخیر انداخت؛ بلکه باید انس و عادات لازم را پیشاپیش در آنها به وجود آورد تا در زمان بلوغ، با کمترین مشکل مواجه شوند. امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید: «به فرزندان خود، نماز یاد دهید و آنگاه که بالغ شدند، از آنان بازخواست کنید».^۲

خانواده‌هایی که از فرصت دوران کودکی برای این منظور استفاده نمی‌کنند،

۱. ابن شعبه حرانی؛ تحف العقول؛ ص ۲۶۳.

۲. همان، ص ۱۱۵.

معمولاً در دوران بلوغ و نوجوانی با مشکلات جدی روبه‌رو می‌شوند؛ زیرا کسی که انجام تکالیف دینی را تا مرحله نوجوانی یا جوانی و بزرگسالی به تأخیر انداخته است، هر چند معتقد به موازین دینی باشد، به علت نبود تمرین عملی و آمادگی روحی، نمی‌تواند به راحتی به احکام دینی عمل کند. اغلب کسانی که در سنین بالاتر وظایف عبادی خود را انجام نمی‌دهند، به مبانی دینی بی‌اعتقاد نیستند؛ بلکه در گذشته ورزیدگی و آمادگی لازم را به دست نیاورده‌اند.^۱

شاید این مسئله مطرح شود که کودک متوجه اینگونه مسائل نمی‌شود و مفهوم آنها را درک نمی‌کند. باید توجه داشت که شاید کودک الفاظ و عبارات نماز را نفهمد، ولی معنای توجه به خدا، راز و نیاز با خدا، استمداد از خدا، عرض دعا و تمنا در پیشگاه خداوند را در عالم کودکی خود درک می‌کند.^۲

راهکارهای آماده‌سازی کودکان برای انجام تکالیف عبادی

۱. آموزش تدریجی

یکی از فلسفه‌های تعلیم تکالیف عبادی در دوره خردسالی، ملکه شدن این اعمال بر اثر مداومت در وجود کودک است تا در سن تکلیف، انجام این وظایف برای آنان دشوار نباشد. بر این اساس، باید پیش از آنکه احکام بر فرزندان واجب شود، زمینه رویارویی صحیح با احکام عبادی را در آنها ایجاد کرد. چنانکه امام باقر علیه السلام فرموده است:

۱. محمد علی سادات؛ رفتار والدین با فرزندان؛ ص ۸۰.

۲. محمد تقی فلسفی؛ گفتار فلسفی: کودک از نظر وراثت و تربیت؛ ج ۲، ص ۱۸۶.

وقتی کودک به سن سه سالگی رسید، از او بخواهید هفت بار «لا اله الا الله» بگوید. سپس او را به حال خود واگذارید تا به سن سه سال و هفت ماه و بیست روز برسد، در این هنگام به او آموزش دهید که هفت بار «محمد رسول الله» بگوید. سپس تا چهار سالگی او را آزاد بگذارید، آنگاه از وی بخواهید که هفت مرتبه «صلی الله علی محمد و آله» را تکرار نماید و سپس تا پنج سالگی او را رها کنید. در این وقت اگر کودک دست راست و چپ خود را تشخیص داد، او را در برابر قبله قرار دهید و سجده را به او بیاموزید و در سن شش سالگی رکوع و سجود را به او آموزش دهید. سپس ره‌ایش کنید تا هفت سال او تمام شود. پس وقتی هفت سال او تمام شد، به او بگویید صورت و دست خود را بشوید [آمادگی برای وضو]. سپس به او بگویید نماز بخواند، آنگاه کودک را به حال خود واگذارید تا نه سال او تمام شود. وقتی تمام شد، در این هنگام وضو گرفتن صحیح را به او بیاموزید و بر بدی ترک آن توجه داده و او را به نماز وادارید و بر بدی ترک آن آگاه کنید. وقتی وضو و نماز را فراگرفت، خداوند، او، پدر و مادرش را می‌آمزد، ان شاءالله!

حضرت در سخن دیگری فرموده است: «از هفت سالگی کودکان را به نماز خواندن و در نه سالگی به اندازه توانایی‌شان به روزه گرفتن، امر کنید و چون تشنگی و گرسنگی بر آنان غالب گردید، افطار کنند».^۱

شهید مطهری رحمته الله علیه نیز به تمرین انجام تکالیف عبادی در کودکان تأکید کرده و می‌گوید:

۱. محمد بن حسن حر عاملی؛ وسائل الشیعة؛ ج ۲۱، ص ۴۷۴.

۲. محمد بن یعقوب کلینی؛ اصول الکافی؛ ترجمه سید جواد مصطفوی؛ ج ۳، ص ۴۰۹.

بچه‌ها را از کوچکی باید به نماز تمرین داد. دستور رسیده است که به بچه از هفت سالگی نماز تمرینی یاد بدهید. البته بچه هفت ساله نمی‌تواند نماز صحیح بخواند، ولی صورت نماز را می‌تواند بخواند. از هفت سالگی می‌تواند به نماز عادت کند، چه پسر و چه دختر؛ یعنی همان اولی که بچه به دبستان می‌رود، باید نماز را در دبستان به او یاد بدهند. در خانواده هم باید به او یاد بدهند.^۱

علامه حلی رحمته الله علیه نیز در باب فلسفه روزه گرفتن کودک پیش از رسیدن به سن تکلیف می‌فرماید: «روزه، یک نوع تمرین است و سبب می‌شود کودک پس از بلوغ، انگیزه بیشتری به انجام آن پیدا کند و نیز باعث می‌شود نفس انسان، ملکه پذیرش انجام واجبات را پیدا کند و از اخلاق ناپسند دور باشد».^۲

این راهکار تا آن اندازه در تربیت دینی کودک، مهم و اساسی است که در توضیح المسائل امام خمینی رحمته الله علیه آمده است: «پدر و جد پدری، شرعاً موظف به تمرین دادن کودکان به عبادت اعم از واجب و مستحب و همچنین قضای آن است».^۳ در خاطرات همسر امام خمینی رحمته الله علیه آمده است که امام از هفت سالگی در تربیت دینی دقت داشت و می‌گفت: «بچه‌ها از هفت سالگی نماز بخوانند تا وقتی نه ساله شدند، عادت کرده باشند».^۴

۲. الگوسازی

کودکان در سنین پایین به یادگیری از طریق مشاهده و تقلید، گرایش بسیاری دارند و انجام برنامه‌های تربیتی و عبادی در مقابل چشم آنها، تأثیر غیر

۱. مرتضی مطهری؛ مجموعه آثار؛ ص ۵۲۹.

۲. حسن بن یوسف حلی؛ مختلف الشیعه فی احکام الشریعه؛ ج ۳، ص ۴۸۸ - ۳۸۵.

۳. سید روح الله موسوی خمینی؛ توضیح المسائل؛ ج ۱، ص ۷۵۷-۷۵۸.

۴. همو؛ امام در سنگر نماز؛ ص ۱۰۴.

مستقیمی در تربیتشان دارد. کودکان اولین درس دینداری را در محیط خانه می‌آموزند و پدر و مادر، بهترین الگوی آنان در این زمینه هستند. وقتی کودکان و نوجوانان حساسیت پدر و مادرشان نسبت به امور مذهبی و اهمیت دادن به انجام عبادات را مشاهده کنند، خود به خود به این قبیل امور احساس علاقه و نشاط پیدا می‌کنند و مجذوب حالات ملکوتی دعا و مناجات می‌شوند.^۱

درباره عالم ربانی، مرحوم آیه الله کوهستانی رحمته الله علیه آمده است که به حجاب فرزندان و نوادگان خود توجه ویژه‌ای داشته؛ حتی به قدری مراقب تربیت مذهبی آنها بود که در مورد بستن روسری بانوان منزل، اعمال نظر می‌کرد تا طوری آن را بر سر کنند که حدود الهی حفظ گردد.^۲

تقید والدین به مراعات مسائل مذهبی، می‌تواند برنامه‌های اسلام را در چشم فرزندان زیبا و جذاب جلوه دهد. به طور مثال وقتی مادری به یاد گرفتن زبان انگلیسی توسط فرزندش یا یاد گرفتن کامپیوتر توسط او، افتخار می‌کند؛ اگر به قرآن‌آموزی و نمازخوانی او نیز افتخار کند، گرایش معنویات را در جان فرزند و در نهاد خانواده، ریشه‌دارتر خواهد کرد.^۳

سرّ مهم اربعین‌گیری‌های مورد توصیه اولیای الهی و اهل معرفت، ملکه شدن فضایل اخلاقی و صفات حمیده به صورت تدریجی در وجود آدمی است؛ زیرا آثار عمل به دستورات چهل روزه، به مرور زمان در وجود سالک استقرار پیدا می‌کند.

۱. محمد جواد مروجی طبرسی؛ حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت علیهم‌السلام؛ ص ۱۶۸.

۲. عبدالکریم کوهستانی؛ برقله پارسایی؛ ص ۱۴۰.

۳. جواد محدثی؛ الفبای زندگی؛ ص ۷۵.

۳. حضور در عزاداری و محافل مذهبی

یکی از راهکارهای مهم آماده‌سازی کودکان برای انجام تکالیف عبادی که آثار تربیتی‌اش به تدریج در کودکان سرایت می‌کند، حضور در مسجد و اماکن مذهبی است.

نقش اجتماعی و تربیتی زیارت و حضور در این مکان‌های مقدس، تا جایی است که نشانه کمال حج و زیارت خانه خدا به شمار رفته است و در روایات نسبت به آن سفارش فراوانی شده است.^۱ نحوه برخورد بزرگترها با مناسبت‌های ویژه اهل بیت علیهم‌السلام، برپایی مراسم جشن یا سوگواری و شرکت دادن کودکان در چنین برنامه‌هایی، اثرات عمیقی بر روح و روان آنان دارد؛ زیرا در سایه اینگونه کارهاست که فرهنگ دینی در وجود آنها تقویت شده و پابرجا می‌ماند.

در دوره کودکی، هدف تعلیمات دینی باید انس دادن فرزندان با دین، محافل و مراسم دینی باشد. آنچه چنین انسی را ایجاد می‌کند، نشست و برخاست و دیدار با افراد متدین و شرکت در مراسم و شنیدن سرگذشت پیشوایان و یاران پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و مؤمنان مجاهد است.^۲ به تجربه ثابت شده است که اگر کودک به مسجد نرود و نماز خواندن جمع را نبیند، به این کار تشویق نمی‌شود؛ زیرا حضور در جمع، مشوق انسان است. متأسفانه حضور کم‌رنگ والدین در مساجد و مجالس دینی و به تبع آن حضور کم‌رنگ فرزندان در این مجالس، سبب می‌شود رغبت به عبادت در وجود فرزندان بسیار کم باشد. در وقف‌نامه یکی از عالمان بزرگ که حدود یک قرن پیش می‌زیسته، آمده است: «آنچه از من به جا مانده، آن را گردو بخرید و در مسجد

۱. درباره روایات مربوط به زیارت، به کتاب چهل حدیث زیارت اثر جواد محدثی رجوع شود.

۲. رجبعلی مظلومی؛ گامی در مسیر تربیت اسلامی؛ ص ۲۰۹.

نگهداری نمایند تا آنگاه که کودکان همراه با والدینشان به مسجد می‌آیند، به آنان هدیه دهید تا عشق و علاقه به خدا، مسجد و منبر از ابتدا در آنها جوانه زند و در بزرگسالی هم اهل مسجد و معنویت شوند.^۱

۴. پاسخگویی به پرسش‌های کودکان

یکی از علل ترک یا سبک شمردن نماز، بی‌اطلاعی کودکان، نوجوانان و جوانان از فلسفه عبادات است. اگر کودک دارای شناخت کافی نسبت به این مسئله باشد و خواندن نماز در وجودش از حالت تقلیدی به حالت آگاهی تبدیل شود، هرگز آن عمل را در مراحل بعدی ترک نخواهد کرد. از این رو آگاهی از فلسفه، آثار و فواید، آداب و شرایط اعمال یکی از عوامل مهم در ترغیب و تشویق کودکان به اعمال عبادی است. اگر والدین نتوانند پاسخ صحیح و درستی به سؤال‌های کودک بدهند، ممکن است بی‌رغبتی نسبت به آن اعمال در وجوش ایجاد شود و چه بسا به تدریج، موجب کنار گذاشته شدن اصل عمل شود.

والدین باید بتوانند به سؤالات و چرایی خواندن نماز، چرایی روزه گرفتن، چرایی رعایت حجاب و ... پاسخ دهند؛ زیرا غیر از فراگیری اعمال ظاهری (نماز، روزه و حجاب)، کودک باید بداند که در ورای این اعمال چه اعتقاد و احساسی نهفته است و چه چیزی موجب می‌شود که مسلمانان هر روز پنج بار به سوی کعبه، حرکاتی را انجام دهند که ممکن است در نظر او بی‌معنا جلوه کند. این مقصود را باید با آموزش‌های ساده تأمین کرد.^۲ برای مثال در پاسخ به این پرسش کودکانه که اگر نماز نخوانیم چه می‌شود؟ می‌توان

۱. محمد رضا شرفی؛ مراحل رشد و تحول انسان؛ ص ۲۱۶.

۲. ناصر باهنر؛ آموزش مفاهیم دینی همگام با روان‌شناسی رشد؛ ص ۲۶۳.

اینگونه به کودک پاسخ داد: آیا این درست است که بچه‌ها به جای اینکه به پدر و مادرشان کمک کنند، همواره بهانه‌گیری کنند و حتی به حرف آنها گوش ندهند؟ قطعاً نه! کسی که بیشترین محبت و مهربانی را به ما کرده و ما را آفریده، خداست. حالا ما چقدر باید از او ممنون باشیم و به حرف او گوش دهیم؟ نماز، تشکر از خداست و همان خدایی که همه چیز به ما داده و دوست دارد بهشت را هم به ما بدهد، گفته است نماز بخوانیم. اگر نماز نخوانیم، هم از او تشکر نکرده‌ایم و هم به حرفش گوش نداده‌ایم. کسانی که به حرف خدا گوش نمی‌دهند، مانند بچه‌های بی‌ادب و غرغرو هستند که به پدر و مادرشان بی‌احترامی می‌کنند.^۱

۵. استفاده از داستان

داستان، وسیله‌ای است که به طور غیرمستقیم در خواننده و شنونده اثر می‌گذارد. از این رو قرآن کریم نیز بسیاری از مباحث اعتقادی، اخلاقی و فرهنگی را در قالب داستان مطرح کرده است. یکی از بهترین روش‌ها برای انتقال مفاهیم ارزشی به فرزندان، قصه‌گویی برای آنهاست که در این امر باید چند نکته را رعایت کرد:

۱. داستان نباید خیلی طولانی باشد. اگر داستان طولانی است، باید تقطیع شود تا هم خسته‌کننده نباشد و هم کودک در شوق انتظار شنیدن ادامه آن باشد.

۲. داستان باید به گونه‌ای باشد که کودک بتواند میان خود و چهره‌های اصلی آن، مقایسه و داوری نماید.

۱. برای اطلاعات بیشتر ر.ک: سید رضا طباطبایی؛ شصت پرسش اعتقادی (جواب‌های کودکان به سؤال‌های اعتقادی).

۳. صفات نیکو و فضایل اخلاقی باید در آن برجسته شود.
۴. سوژه‌ها و افراد داستان و قصه‌ای که بیان می‌شود، باید حتی‌المقدور متناسب با سن کودک باشد.
۵. حکمت آن قصه باید در متن قصه ارائه شود.
۶. با زبان مناسب سن کودک بیان شود.^۱

۶. تشویق

تشویق، یکی از راه‌های تقویت صفات خوب در کودک است. البته باید اعتدال در این امر رعایت شود؛ به گونه‌ای که برای هر کار خوب و هر تکلیف عبادی که انجام می‌دهد، هدیه و جایزه‌ای تهیه نشود؛ بلکه از تشویق کلامی نیز استفاده نمود و حتی گاهی در میان جمع از کار خوب او تعریف کرد. همچنین می‌توان با ایجاد جاذبه‌های ظاهری، کودک را به اینگونه مسائل جذب کرد؛ مانند اینکه اجازه پوشیدن بهترین لباس را برای خواندن نماز به او داد یا اینکه چادری زیبا برای دختران و عبایی مناسب برای پسران و یا جانمازی خاص همراه با مهر و تسبیح و عطر برایشان تهیه نمود.

یکی از نوه‌های امام خمینی علیه السلام نقل می‌کند: «من هر موقع پیش امام می‌رفتم، مرا تشویق به نماز می‌کرد. یادم می‌آید که وقتی پنج ساله بودم، وارد اتاق آقا شدم؛ دیدم دارد نماز می‌خواند. من هم پشت سر ایشان نماز خواندم. پس از نماز امام، چند کتاب به من جایزه داد».^۲

از سوی دیگر باید توجه داشت که سخت‌گیری در آموزش تکالیف شرعی

۱. جعفر صالحان؛ سلوک با فرزند؛ ص ۲۱۲.

۲. معصومه عبدالحسینی؛ «سیره رفتاری بزرگان با فرزندان»؛ مجله طوبی؛ شماره ۴، فروردین

به کودکان، نیز مطلوب نیست. برای مثال لازم نیست برای حجاب کامل دخترانی که هنوز به سن تکلیف نرسیده‌اند، سخت‌گیری شود؛ بلکه باید پوشش آنها به گونه‌ای باشد که وقتی به سن تکلیف رسیدند، با حجاب آشنا شده و آمادگی پذیرش آن را به دست آورند.